



تأمین امنیت، جدیت بیشتر می خواهد... ۳
 قصه شهر فیروزکوه آماده چاپ... ۳
 رابطه سیگار و بیماری ها... ۴
 لست مساعدت کنندگان... ۴

محترم جنرال شاه جهان نوری در گفتگویی با فیروزکوه:

حتا در بعضی موارد خود ارگانهای امنیتی

عامل بد امنی و جنایت شده اند

فیروزکوه: به عنوان سوال اول می خواهیم بدانیم که شما دورنمای وضع امنیتی را در غور به ویژه در سال آینده چگونه ارزیابی می کنید.

نوری: بسم الله الرحمن الرحيم، با عرض سلام و ادب خدمت نشریه فیروزکوه. عرض کنم که اوضاع امنیتی در سال گذشته تا حدودی رضایت بخش بود و ما در عرصه امنیتی دست آورد های خوبی داشتیم. در بخش جمع آوری سلاح و پروسه دایاگ و تخریب کشت کونار و

و جلوگیری از ترافیک آن و در مبارزه با قاچاق بران مواد مخدر که این ها اولویت های کاری پولیس را تشکیل می دهد، موفقیت های داشته ایم. امیدوارم که سال آینده ولایت غور عاری از کشت خشخاش باشد، البته با همکاری خود مردم. با آب شدن برف ها و آمدن بهار امیدوار هستیم که اوضاع امنیتی بهتر باشد. در مجموع ما از ناحیه امنیت در غور زیاد تشویش نداریم، اما چیزی که بسیار مهم است، مساله مشکلات پولیس ادامه ص 2



شمه از قبض و بسط تئوریک شریعت

دکتر عبدالکریم سروش

... گشوده شدن در های آسمان و فرو ریختن باران وحی بر دل بندگان بختیاری به نام پیامبران و طهارت و طراوت یافتن سرزمین عقول و حیات آدمیان به برکت آن

اداره، خانه رییس نیست

ریاست و یا مدیریت در یک اداره، در واقعیت قبول یک مسوولیت کلان و تحمل بار سنگینی می باشد که بدون شک رییس یا مدیر را بیشتر از سایر مامورین و کارمندان به سعی و تلاش مکلف می سازد و کامیابی و یا عدم کامیابی اداره تا حدود زیادی به پای رییس آن نوشته می شود. اما در کشور ما و مخصوصاً در ولایت ما بعضی از رییس صاحبان و مدیران گویا فراموش می کنند که در یک اداره دولتی نشسته اند و آنچه در اداره دارند نه ملک مطلق آنها، بلکه دارایی بیت المال می باشد که چند روزی نزد شان به عاریت گذاشته اند.

شاید دیده باشید که بعضی کس ها به نحوی از امکانات دولتی، استفاده شخصی می نمایند. چیز های را که ما نمی بینیم و نمی دانیم و مثلاً در فورم نمی دانیم "م چند" نوشته می شود، اصلاً روی شان بحث نمی کنیم، اما اگر بخواهیم از چیز های بسیار ملموس و آشکارا شروع کنیم در قدم اول باید از تیلیفون و موبایل یاد آوری کنیم. همه ما می دانیم که از تیلیفون دولتی به پیمانۀ وسیع استفاده شخصی صورت می گیرد و هیچکس نمی تواند آن را انکار نماید. هیچ ریسی تیلیفون شخصی علیحده و تیلیفون دولتی جداگانه در جیب ندارد و معلوم دار که از همان یک تیر دو نشان می زند، حالا این موبایل روشن باشد یا افغان بی سیم و یا تیلی کام،

فرقی نمی کند. مساله دوم استخدام برخی از کارمندان در بعضی از ادارات می باشد. حاجت به حجت ندارد که کسانی از بستگان و اقوام رییس به صفت شب باش و نگهبان و پیاده و اجیر یا مدیر و مامور در بعضی از ریاست ها کار می کنند که گر چه این هم به نحوی سوء استفاده از منصب گفته می شود، اما از این هم مانند تیلیفون با چشم پوشی و گذشت تیر می شویم و می رسیم سر مطلب اصلی. و اما پیش تر از آن بد نیست اگر اشاره گکی هم داشته باشیم به کمپیوتر های ریاست که این هم در بعضی از اداره ها ساعت های بسیاری در اختیار ارجمندان رییس صاحب قرار دارد. این را هم که گفتیم، می آیم حالا به مساله اصلی که سوء استفاده از موتر ریاست باشد. موتر در هر اداره از اداره است، نه از شخص جناب رییس، اما چنانکه می دانیم سال ها می گذرد و یک مامور بدبخت روی مبارک موتر را از داخل نمی بیند اما پسر شاهرزاده

و یا برادر ناز دانه رییس با عینک دودی هفت هشت روز، روی فرمان نشسته است و در تابستان به سرک ها خاک باد میکند و در زمستان آب. اگر این ارجمندی در تشکلیل اداره دریور باشد (که نیست) باز هم مگو و مپرس، اما اگر جناب به مکتب است و یا از کانکور مانده یا بیکار تشریف دارد، رییس صاحب باید غم او را بخورد و برایش کاری پیدا کند و به فکر آینده او باشد که هم به خیر خودش است و هم به خیر اداره و گرنه این آقای راننده که با موتر دولتی در کوچه ها تیم می دهد، هر روزی باشد دسته گلی به آب می دهد و مشکل کلانی خلق می کند که هم جناب رییس را به جنجال می اندازد و هم حضرت خود را.

می ترسم که خدای نخواستہ کدام روز خود را یا کسانی را به شفاخانه یا زبانم لال به قبرستان اعزائم نکنند!!

پیش از آنک تمت بالخیر بگویم صبر کنید که یک چیز دیگر را هم یاد آور شوم. در باب یکی از ادارات که ذاتاً هم چندان کم جنجال نیست گفته می شود که در آنجا یکی از این سوگلی ها که در مساله موتر مصداق صادق است گامی فراتر می نهد و کارهای می کند که در برخی موارد از رییس هم رییس تر می شود که اگر این سریال ادامه یابد و هیچکس چیزی نگوید بدون شک فیروزکوه چیزی خواهد گفت.

باران جان پرور، زیباترین حادثه هستی است و نشستن عقل در کنار وحی و کوشش در گشودن راز آن نیز به همان زیبایی است. ... کفران نعمت است اگر این هدیه رایگان خالق جواد و تعلیم بی اجرت طیبان الاهی، در چنگال کج اندیشی ها و بد فهمی ها و عقب ماندگی ها و بی دردی ها، فرسوده و ضایع شود و بر لب آب حیات، جمعی از تشنگی هلاک شوند.

ما آدمیان اینک از بهشت رانده ایم و از وحی مانده، تردمانی خواب آلوده ایم. معیشتی شیطان زده داریم و معرفتی خطا آمیز، پیامبرانه سخن گفتن و پیامبرانه عمل کردن، هیچ یک در خور ما نیست. در حـد خـرد خـرد خویش از حقیقت بویی می بریم و کاری میکنیم. ما شارحانیم، نه شارعان. و مفتونانیم نه معصومان. و آنان که سخن شان را برتر از فهم شریعت می شمارند، بر حذر باشند مبادا که در پوستین پیامبران افتاده باشند. پذیرفتن ولا یت دین، نه سخن خود را بر دهان شارع نهادن است و نه خود را بر مسند او نشانیدن. بلکه سعی در فهمیدن سخن اوست با رجوع مستمر به کتاب و سنت. و عالمان ادامه در ص

است که ما با مقام وزارت داخله در رابطه به تجهیز پولیس و تعلیم و تربیه پولیس تماس های مستمری داشتیم و در سال روان تجهیزات و امکانات قابل ملاحظه ای را دریافت کردیم. حدود بیش از 70 عراده رنجبر آمریکایی در خدمت پولیس قرار گرفت و در بخش های اسلحه و تخنیک هم مشکلات عمده ما تقریباً حل شده. معاش پولیس هم بالا رفته و یک معاش قابل ملاحظه می باشد. بحث ریفورم که مساله بسیار مهم است، مربوط می شود به جامعه جهانی و مقامات جمهوری اسلامی افغانستان. در این راستا نیز ما همگام و دوشادوش برنامه های دولت و وزارت داخله و زون ساحوی هرات پروسه ریفورم را دنبال کرده ایم. الان هم مدیر جنایی جدید تقرر معرفی شده و تعدادی هم نامهای شان در مطبوعات اعلان شده که بزودی معرفی خواهند شد. چالشی را که ما همیشه یاد می کنیم عدم ملی بودن پولیس میباشد، با ملی شدن پولیس ظرفیت پولیس ارتقا پیدا می کند که امیدواریم با تطبیق پروسه ریفورم و اصلاحات این معضله حل شود. در بخش تعلیم و تربیه هم که بسیار بسیار مهم است و برای ما اولویت دارد و پولیس ما در حال حاضر یک پولیس متخصص و مسلکی نیست کار های صورت گرفته و در نظر است که به کمک جامعه جهانی در این قسمت هم اقداماتی خوبی انجام یابد و این پروسه همین حالا هم

خوب داشته باشیم، اما در پهلوی اینها همکاری مردم بسیار مهم می باشد که اگر همکاری داشته باشند و منافع ملی را ارج بگذارند، من یقین دارم که امنیت به آسانی تامین خواهد شد.

فیروز کوه: واقعیت همین است که در تامین امنیت چیز های که شما اشاره کردید مثل آموزش و اصلاحات و تشکیک و هماهنگی و تجهیزات و غیره بسیار اهمیت دارند و اگر آنها به صورت ریشه ای و اساسی بهبود نیابند تامین امنیت دشوار خواهد بود، که کارهای انجام شده قابل قدر اند اما مردم معمولاً چیز های بسیار ملموس و جزئی تر را اول می بینند، مثلاً در رابطه به بزم انداختن به دفتر حقوق بشر و یا منزل رییس امور زنان و یا نا امنی های راه ها و یا حادثه شهرک، مردم می گویند که دولت و مخصوصاً پولیس کمی با تسامح و اغماض برخورد نموده است، شما در این باره چه گفتنی دارید؟

نوری: من در این قسمت عوامل مختلف را شریک می دانم. در این شکی نیست که یک ارگان امنیتی باید به وظایفش عمل بکند، ولی این مهم نیست که چرا فلان جرم زود کشف نشد. در کشور های پیشرفته هم بعضی قضایا حتی چند سال زیر تحقیق هستند ولی به اثر سعی و تلاش و پی گیری مستمر ارگان های امنیتی بالاخره باید جرم روشن شود. در این قسمت من هم شخصاً اعتراض دارم که ما از

رابطه های سیاسی با مراجع بالای دولتی دارند و از حمایت های ویژه ای در زون غرب برخوردار هستند. در این طرف هم یک تعداد افراد خود سر و مسلح غیر قانونی هستند که می خواهند خود سری کنند و از قانون اطاعت نکنند. اما متأسفانه که افراد خبره و ریش سفید یک موضوع کاملاً محافظ کارانه دارند و برای حل قضیه تلاش نمی کنند و به مراجع مختلف گزارش می دهند که بین دو قوم جنجال است. من به عنوان قوماندان امنیه می گویم که نه جنجال بین دو قوم نیست، بلکه یکتعداد افراد مسلح و جنایتکار این طرف را اذیت می کند و یکتعداد افراد جنایتکار و تفنگدار آن طرف را ما به عنوان دولت باید یک پالیسی مشخص و سیاست هماهنگ اتخاذ کنیم و دولت مرکزی را متقاعد بسازیم که افراد خلاف کار هر دو طرف سلاح شان باید گرفته شود. متأسفانه که تا امروز به دلایل مختلف از جاهای مختلف این پروسه را اخلال می کنند و آن منابع این افراد را به عنوان ابزار فشار علیه وضع موجود استفاده می کنند و این روشن است و هر کس ان را می داند. قضیه شهرک، یک اغماض و چشم پوشی امنیتی از جانب ما نیست، ما به وظایف مان عمل می کنیم، اما افراد مسلح تا سطح وزارت خانه ها روابط دارند و او مردم به حیث وسیله فشار این افراد در این اراضی و این نقاط استراتژی یک نگاه می کنند شاید برای فردای خودشان.

فیروز کوه: این هماهنگی تا حال چگونه بوده؟

نوری: برداشت من این است که بخش هماهنگی ما امسال در همین ماه های اخیر بسیار مشکل داشته و سو تفاهم ها کم نبوده اند و یک هماهنگی رضایت بخش و صد فی صد وجود نداشته که در این رابطه من امیدوار هستم که مقام ولایت در این راستا عطف توجه بکنند و موضوع را جدأ تحت نظر داشته باشند.

فیروز کوه: نقش PRT را هم در مساله هماهنگی و هم در راستای امنیت در مجموع شما چگونه می بینید؟

نوری: من در قسمت PRT که نماینده جامعه جهانی در سکتور امنیت هستند و در بازسازی ولایت ما با ما همکاری دارند می گویم که نقش شان بسیار با اهمیت می باشد. مساله اساسی این است که چه PRT، چه حقوق بشر، چه یوناما و چه سازنوالی و نهاد های عدلی و امنیتی دیگر همه باید از دولت حمایت بکنند نه اینکه PRT یک برنامه جدا را دنبال بکند و هر کس از هر گوشه بیاید و هر

ادامه دارد.

در قسمت تشکیل پولیس هم نواقص وجود دارد. در یک ولسوالی با چهل الی پنجاه هزار جمعیت، سی یا چهل نفر پولیس قطعاً کافی نیست. از چهل نفر حتماً چندتا مریض است، چند تا رخصت است و چند تا پهره و چند تا هم گزمه که برای جلب و حوادث غیر مترقبه به هیچ وجه به لحاظ کمیت پولیس کافی نداریم و تشکیلات یک تشکلی نیست که بتواند پاسخ گوی نیاز های ما باشد که ما در این راستا با مشاورین بحث های مفصلی داشتیم و پیشنهاد ما این بود به آنها و به زون که باید برای ولسوالی های درجه دوم و سوم هم تشکیل ولسوالی درجه اول که حدود 120 و چند نفر است در نظر گرفته شود این ولسوالی ها هم مساحت زیاد دارند و هم نفوس و هم با بعضی از مناطق کم ثبات افغانستان و ولایات نا امن و تحت نفوذ القاعده و طالبان و کشت مواد مخدر قرار دارند که ما در این رابطه به توافق رسیدیم و با فرا رسیدن بهار امید است که این پروژه عملی شود.

پولیس کمکی و پولیس تقویتی که حالا در نظر گرفته اند، این هم مثل همان گروپ های منطوقی یا ملیشه ای می باشد که ما نمیتوانیم این ها را درست اداره و رهبری بکنیم. این ها اکثراً از خود محل هستند و عوض که به ثبات و امنیت کمک کنند و قانون را تطبیق کنند، شاید بیشتر منجر به بی قانونی و نا امنی شوند. بهر حال امیدوار هستیم که با تطبیق ریفورم، ارتقای معاشات، توسعه تشکیل و تعلیم و تربیه مسلکی ما بتوانیم یک پولیس

لحاظ ظرفیت مشکلات خاص خود را داریم. در بسیاری موارد ما با قضایا صادقانه عمل نکردیم و ما ارگانهای امنیتی، ارتباط ارگانیک و هماهنگی لازم نداریم، حتی ما گزارش های داریم که در بعضی موارد خود ارگانهای امنیتی عامل بد امنی و عامل جنایت شده اند، مثلاً در قضیه ورلد ویژن عاملین قضیه دستگیر شدند و مساله کاملاً روشن بود، اما منابع امنیتی ما به گونه دیگر عمل کردند و قضیه را به عناوین مختلف پوش زدند.

در قضیه شهرک ما بسیار واقع بینانه عمل کردیم. تمام اقوام پهلوان به یک صدا می گفتند که قاتل، ملا مصطفی است. حال چه باید شود؟ می گفتند ما می رویم حمله می کنیم سر قوم چستی، ما ملا مصطفی را مجبور شدیم که بازداشت نماییم ولی بجای اینکه قضیه از طریق قانونی طی شود و اسناد و مدارک ارایه شود هر دو طرف آشوب و غوغا به راه انداختند و مشکلات کلانی را خلق کردند. ما می خواستیم که ریش سفیدان چستی و پهلوان را به مرکز ولایت جمع کنیم، آنها از این طرح حمایت کردند و قطعنامه نوشته کردند و به دست من دادند. ما گفتیم دو راه وجود دارد و قضیه باید یا از طریق نهاد های قانونی حل شود و یا از طریق اصلاح و تفاهم، شما هر راهی را که انتخاب می کنید ما حمایت می کنیم. آنها قبول کردند اما یک مشت مسلح غیر قانونی در آن طرف قضیه می خواهند که سرقت بکنند، بی نظمی و جنایت بکنند و خود سری داشته باشند. آنها ریشه های شان از منابع مختلف آب میخورند،

فیروز کوه: جناب نوری صاحب با توجه به روند بطنی ای پروسه دایاگ و بودن سلاح غیر قانونی در دست افراد غیر مسوول و با توجه به این ارتباط های زیر زمینی و مرموزی که شما اشاره داشتید، آیا به نظر شما در حال حاضر قوماندانان دوران جنگ برای امنیت غور یک تهدید به حساب می آیند؟

نوری: باور من این است که تا زمانیکه در افغانستان سلاح جمع آوری نشود و پروسه دایاگ از این حالت بطنی به یک پروسه فعال و عملی تبدیل نشود، این روند یک روند آسیب پذیر خواهد بود. شکی نیست که در غور افرادی که صد فی صد وضعیت موجوده را نپذیرند وجود ندارد به شرطی که ما همه از یک پالیسی پیروی بکنیم و در درون دولت چندگانگی نباشد و ارگان های امنیتی یکی دنبال سبوتاژ و تخریب دیگری نباشد و به دولت کار بکند و متحد کار بکند و در برابر تمام این عوامل که ما نام گرفتیم، چه قوماندان دیروز چه افراد مسلح غیر قانونی باید پالیسی واحد و مشترک داشته باشند. این که قوماندان در یکجا مصروف جمع آوری سلاح باشد، یک ارگان امنیتی دیگر برود و تشویق کند که سلاح خود را به او ده تا میشه نتی، دو تا میشه به مه بتی، مه هشت میل تفنگ دیگه ته تضمین می کنم که پشت باشد. خطر این است که دولت در ولایت غور و نماینده های دولت در راس مقام ولایت و بخش های امنیتی باید از یک پالیسی پیروی کنند.

چه گفت، بشنود. من امروز هم در یک مجلس امنیتی نظامی گفتیم که شما اگر می خواهید این دولت ثبات و بقا پیدا کند و در غور امنیت خوب تمثیل شود شما از دولت حمایت بکنید. ببینید که ضعف در کجاست؟ این طور نمی شود که یک نفر مسلح غیر مسوول در یک جای، گپ والی را قبول نکند، گپ قوماندان امنیه را نگیرد، جلب من را در دهن آتش بزند، رییس امنیت را تحویل نگیرد، به تمام دولت جواب دهد، باز هر روز هم برای یوناما گپ بزند و باز یوناما بگوید که اون به ما تماس دارد. این افراد مسلح غیر مسوول اگر راست میگویند که ما از دولت حمایت می کنیم و پولیس جانبدارانه با قضایا برخورد می کند با وزارت داخله تماس بگیرند، با قوماندانی زون ارتباط برقرار کنند و با ریاست جمهوری مشکل خود را مطرح کنند و از آنها بخواهند که در اداره و رهبری پولیس تغییرات بیاورند نه اینکه همانطوری که گفتیم از کانال های نا مربوط وارد قضیه شوند. سوال شما در رابطه به PRT بود، بلی آنها بسیار موثر هستند به شرطی که هماهنگ عمل بکنند و از دولت حمایت بکنند نه از افراد مسلحی که ادامه در ص 3

شمه از قبض و بسط تنوریک شریعت...

دین، جز این سمتی و خدمتی ندارند. آنان فراهم آورندگان معرفت دینی اند که نه کامل است و نه صائب. جهد مقدس آنان در فهم کتاب و سنت، معرفتی مقدس پدید نمی آورد. پیامبر اسلام، خاتم الانبیاء و شریعت او خاتم الشرایع است، اما هیچ فقیه و مفسری، خاتم الفقها و خاتم المفسرین نیست. آخرین دین آمده است، اما آخرین فهم از دین هنوز نیامده است. روزی دین به کمال رسید، اما کدام است آن روز که فهم دین در آن به کمال رسد؟...

محرم این رازها جز راز دانان نیستند و خامانی که نیمه جان افتادن دین در روزگار حاضر دل شان را به درد نیاورده است از این معامله دورند و در این اهتمام جز خلط و بدعت و بد دینی نمی بینند و از آن جز هلاک و زیان چیزی نمی اندوزند. نظریه قبض و بسط در مرتبه اول یک نظریه دین شناسانه است و در مراتب بعد نظریه تفسیری - اصولی - کلامی. و به کار کسانی می آید که درد احیا و شوق درک دین دارند و بی دردان را جز دمار و خسران نمی افزاید. و لایزید الظالمین الا خساراً (الاسری / 82)

آیا قبلاً شنیده بودید!

خوانندگان عزیز! رابطه نشریه فیروزکوه با دفتر محترم ولایتی حقوق بشر بسیار نیک و حسنه است و ما زحمات و تلاش های آنها را در راه تأمین حقوق بشر قدر میکنیم، اما نامه ها که از طرف یکی از خوانندگان فیروزکوه نوشته شده به خاطر احترام به نظریات مردم آنرا چاپ می کنیم. به ماهنامه وزین فیروزکوه سلام تقدیم میکنم. ضمن تشکر از شما امیدوارم نامه بنده را در یکی از شماره های فیروزکوه چاپ نموده ممنون سازید:

دفتر حقوق بشر، بی فیلطه فیر میکند

و مافیای تریاک در دیگر ولایات قابل مقایسه نیستند و هیچ قوماندانی در برابر کارهای حقوق بشری تا هنوز مستقیماً و آشکار مخالفت نتوانسته است.. از این ها که بگذریم در بخش اخیر آن گزارش چیز های گفته شده که کاملاً تعجب کننده و خنده آور می باشد. چنانکه تهمت های ناحق و مشکلات جنگ های سی ساله را به صورت قاطع و یک جانبه و تبعیض آمیز و غیر منطقی و بدون سند و مدرک و بر مبنای ادعا های واهی و سیاسی بزرگ کرده است. مردم غور می دانند که مقداری از زمین مردم ما بصورت بیع فضولی توسط زورمندان وقت به فروش رفته بوده که حالا ما مالک و متصرف زمین خود هستیم و کسانی به ناحق می خواهند علیه ما مشکل ایجاد کنند و قضاوت قوم پرستانه و سیاسی داشته باشند.

برخلاف آنچه که در دفتر حقوق بشر از غضب خانه و زمین و استرداد آن، خبر می دهد. الحمد لله ستره محکمه افغانستان قضیه را به نحو قانونی و انسانی و شرعی بررسی نموده و حق را به حقدار، قایل شده است و برخورد های سیاسی و قوم پرستانه و تبعیض آمیز یک تعداد کسان را نقش بر آب نموده است و توطئه ها و تبلیغات دروغین آنها را خنثی نموده است. وقتیکه ستره محکمه افغانستان و

در شماره ششم سال پنجم ماهنامه حقوق بشر (سنبله سال 1386) نوشته ای آمده است تحت عنوان "وضعیت حقوق بشر در ماهی که گذشت" در آخر این گزارش ص 45 اشاره ای هم به کارهای دفتر ولایتی غور شده که در تمام آن نوشته چیز های غیر واقعی و تبعیض آلود و ناسنجیده به نگارش آمده است. من نمی خواهم به مسایلی که در مورد دفتر ولایتی حقوق بشر، در مورد استخدام کارمندان و یک سری مسایل دیگر گفته میشود تماس بگیرم، اما در باره آن نوشته چیز های قابل یاد آوری است که به توجه رسانیده میشود:

1. در بخش اول گزارش آمده است که "کارهای حقوق بشری در ولایت غور به دلیل حاکمیت فرهنگ خشونت به چالش و موانع فراوان مواجه است." این عبارت که فرهنگ خشونت را مخصوص به مردم غور نموده است و مردم غور را خوشن و فرهنگ شان را خشونت آمیز جلوه داده در حقیقت توهین به مردم غور می باشد.

2. "عقب ماندگی فرهنگی" در غور را یکی دیگر از موانع ذکر کرده که باز هم یک پدیده ای عام را خاص نموده است. گمان نمیشود که مردم غور از آنهاهی که هر روز خود را انفجار می دهند و مکتب می سوزانند و معلم سر می برند عقب ماندگی فرهنگی بیشتر داشته باشند. در حالیکه امنیت غور و علاقه

مصاحبه با محترم جنرال شاه جهان...

در هر گوشه خود سرانه گپ می زنند و روی منفعت و اغراض شخصی تاکید دارند نه منافع ملی.

فیروزکوه: طالبان همانگونه که میدانید در این اواخر شکست های سختی را در جنوب متحمل شدند و سوق اداره شان به حالت پاشیده تر از گذشته در آمده است، حالا به نظر شما در سال آینده برای امنیت غور طالبان یک خطر و تهدید جدی به حساب می آیند؟

نوری: در همان روز های که طالبان بسیار گرم بودند و می گفتند که ما در غور جبهه باز می کنیم و حتی قضیه شهرک را به عهده خود گرفتند، ما دیدیم که مردم به هیچ وجه از آنها حمایت نکردند، ما از ناحیه طالبان کدام تشویش جدی نداریم و من فکر نمی کنم و امیدوار هستیم که غور برای فعالیت طالبان یک بستر من سب و یک محیط آماده نباشد.

قصه شهر فیروزکوه**آماده چاپ شد**

قصه شهر فیروزکوه که به قلم نبی ساقی، استاد دارالمعلمین عالی غور نگارش یافته است، آماده چاپ گردید.

معلم و شاگرد

شاگردی از معلمش پرسید؟ سعدی در چه سالی وفات کرد:

معلم گفت: در سال های 640 الی 645. شاگرد گفت: معلوم میشود آن بیچاره پنج سال جان میداده است.

بخندید !!!

مردم به آموزش و تعلیم و تاریخ درخشان غور حاکی از فرهنگ والای این سرزمین میباشد. 3. در آن نوشته " وجود قوماندانان قدرت مند غیر مسوول " را یکی دیگر از چالش ها در راه تامین حقوق بشر می داند که این سخن نیز خلاف واقعیت می باشد. همه عالم می دانند که قوماندانان غور هرگز از لحاظ قدرت و پول و تفنگ و غیره با قوماندانان و جنگ سالاران کلان

دستگاه قضایی خلاف چیزهایی را ثابت می کند که دفتر حقوق بشر ادعا کرده است، دفتر حقوق بشر باید معذرت بخواهد و دوباره چنین کارهای را مرتکب نشود و هیچگاه به اصطلاح " بی خلطه فیر نکند" و مردم را نسبت به خود بی اعتماد و بی باور نسازد و واژه شیرین و زیبای حقوق بشر را به کارهای نا سنجیده و عجولانه خویش بد نام نسازد. مولوی عبدالقیوم از ولسوالی دولتیار

این کتاب که حاوی حدود صد صفحه می باشد، گوشه های از تاریخ غور را بازتاب می دهد. در بخش دوم قصه شهر فیروزکوه، مقاله ای آمده است که به شیوه تحقیقی تر تعیین موقعیت اصلی شهر فیروزکوه، پایتخت امپراتوری غوری ها را به بحث و بررسی می گیرد.

نشریه فیروزکوه ضمن اینکه از چنین فعالیت های فرهنگی قدردانی می کند و برای نویسندگان آرزوی موفقیت بیشتر دارد، از تمام قلم بدستان تقاضا می کند که در رابطه به غور و غوری ها و دیگر مسایل فرهنگی، تاریخی و ادبی به صورت جدی، سعی و تلاش نموده و مسوولیت فرهنگی و تاریخی و میهنی خویش را ادا نمایند.

قابل یاد آوری است که نویسنده قصه شهر فیروزکوه در حال حاضر روی نوشته ای کار می کند که در آن بخشی از دویستی های عامیانه مردم غور گرد آوری شده است. امید است این اثر جالب نیز به زودی آماده چاپ گردد.

اداره نشریه فیروزکوه

تأمین امنیت جدیت بیشتر می خواهد

مردم غور در این دو سه سال اخیر، شاهد امنیت بسیار خوب در ولایت خود می باشند. گرچه نقش مردم در این مساله بسیار مهم و حیاتی می باشد؛ اما در واقعیت مدیریت و کارگردانی مسوولین را نیز به هیچ وجه نمی توان در مسایل از این قبیل نادیده گرفت. در خزان امسال اما، حوادثی رخ داد که مساله تامین امنیت را به صورت جدی با خطر مواجه ساخت که به طور نمونه از حادثه کشته شدن قوماندان امنیه شهرک گرفته تا دزدی های میان راه ها و بم انداختن به دفتر حقوق بشر و منزل رییس امور زنان و غیره میشود نام گرفت. چنانکه همه می دانیم در ولسوالی چارسده نیز اوضاع رو به وخامت گذاشته بود که مسوولین ولایتی با رفتن به ولسوالی و مدیریت اوضاع، شرایط را تا حدودی تحت کنترل

آوردند و این خود، نقش و اهمیت تدبیر و کار فهمی را در اداره امور به روشنی هویدا می سازد. بهر حال زمستان می گذرد و گرم شدن هوا، مساله تامین امنیت در ولایت و ولسوالی ها، نیازمند مدیریت مدبرانه خواهد شد و احتمال اخلاص امنیت از طرف افراد استفاده جو و زور گوی و جنگ طلب بالا خواهد گرفت. واقعیت این است که در زمان ولایت آقای افضل و در نتیجه همکاری و هماهنگی تیمی آنها، و با در نظر داشت نقش آقای جنرال نوری و جنرال بلخی اوضاع به صورت درست مدیریت می شد. اگر مدیریت سنجیده شده آنها نبود، انگیزه های بسیاری وجود داشتند که می توانستند هر کدام اوضاع را به صورت جدی و خیم سازند و امنیت را مختل نمایند. اما چنانکه از قراین و شواهد بر می آید در این اواخر کسانی پیدا می شوند که جرات آن را یافته اند که در مقابل مسوولین دولتی گستاخی کنند و مسایل را رنگ قومی بزنند و تفنگ غیر مسوولانه به شانه کنند

و از زور حکومت نترسند و لاف های کلان بزنند و سودای تریاک بپزند و غوغا به راه اندازند و خود را بسیار مهم احساس کنند. مردم نگرانی دارند که افراد بد سابقه اگر کنترل نشوند و جلو آنها همین حالا و در سر فیلم گرفته نشود، احتمال دارد که آنها در آینده به بی نظمی های کلان دست بزنند و بلوا های بزرگی خلق نمایند. پس برای مسوولین خیلی مهم خواهد بود که با زور گویان و استفاده جو ها و تفنگ دارها و تریاک سالار ها با جدیت برخورد نموده و آنها را نگذارند که حکومت را مجبور به باج دهی نمایند. آنها در زمان افضل کاملاً مطیع و گپ شنو بودند و با تحفه دادن چین و قالینچه و غیره می خواستند که خود را به دل حکومت شیرین نمایند، اما حالا طوری که شنیده میشود، آنها قصد دارند که به زور بلوا و آشوب و غوغا باج و خراج بگیرند و حکومت را در مقابل خویش به تمکین وا دارند. حکومت و مسوولین حکومتی همچنان باید به صورت جدی و با کاردانی و زیرکی... ادامه ص 4

تأمین امنیت جدیدیت بیشتر می‌خواهد ...

متوجه مافیای فساد اداری در داخل خود دستگاه حکومتی باشند. هیچ چیز بیشتر از فساد اداری حکومت را بد نام نمی کند و میان مردم و حکومت فاصله ایجاد نمی کند، پس حکومت باید حساسیت موضوع را درک نموده و شدیداً مواظب کارکنان خویش باشد. شکی وجود ندارد که کسانی در داخل دستگاه وجود دارند که مثل گربه به کمین موش نشسته اند، اگر نیستند پس چرا بعضی ها با سه هزار افغانی معاش هم صاحب موتر شده اند و هم مالک دکان و خانه و هم احياناً حاجی بیت الله؟ در حالی که مصرف یک خانواده معمولی حد اقل هفت هزار در ماه می باشد، این کارمند از کجا توانسته که با سه هزار هم مصرف خانه را کشیده و هم مصرف خانه خدا را؟

بنأ مسوولین باید با زیرکی و تیز هوشی و فراصت بسیار نگران اوضاع داخل دستگاه بوده باشند و دغدغه های مردم را به یاد داشته باشند و تنها به کنترول و نظارت کرام الکاتبین اکتفا نکنند که محاسبه آنها از خود وقت دارد و آخرت در پیش است و از هر کس در برابر اعمالش سوال خواهد شد و لا ریب فیه که در هر دو دنیا مسوولین مسوول تر اند.

جلال الدین کوشانی

2 - آب مروارید (کاتاراکت): افراد سیگاری 40 درصد بیش از افراد دیگر در معرض ابتلا به آب مروارید، کدر شدن عدسی چشم و ممانعت از عبور نور و در نهایت نابینایی هستند. 3 - چین و چروک: استعمال دخانیات باعث از بین بردن پروتئین های انعطاف دهنده پوست می شود؛ همچنین باعث تحلیل بردن ویتامین A و محدود کردن جریان خون در عروق پوست می گردد.

پوست افراد سیگاری خشک و دارای خطوط و چین خوردگی های کوچک در اطراف لبها و چشمهاست. 4 - ضایعات شنوایی: افراد سیگاری 3 برابر بیش از افراد غیر سیگاری به عفونت گوش متوسط دچار می شوند.

5 - سرطان پوست: افراد سیگاری 2 برابر بیشتر از افراد غیر سیگاری در معرض خطر ابتلا به نوعی سرطان پوست (پوسته پوسته شدن، برجستگی روی پوست) قرار دارند.

6 - فساد دندانها: افراد سیگاری 1/5 مرتبه بیشتر از افراد غیر سیگاری در معرض خطر از دست دادن زودرس دندانها هستند.

7 - یوکی استخوان: منواکسید کربن یکی از اصلی ترین گازهای سمی در خروجی اگزوز موتر و دود سیگار است، میل ترکیبی این گاز با خون بسیار بالاتر از اکسیژن است. این گاز باعث کاهش قدرت عمل اکسیژن در خون افراد سیگاری حرفه ای تا 15 درصد می شود.

استخوان های افراد سیگاری تراکم خود را از دست داده و به راحتی شکسته می شود همینطور زمان التیام یافتن و جوش خوردن آنها پس از شکستگی تا 80 درصد افزایش پیدا می کند.

8 - بیماریهای قلبی: بیماریهای قلبی - عروقی ناشی از استعمال دخانیات بیش از 600 هزار نفر را در سال در

دیگر از قبیل زبان، دهان، غدد، بزاق و حلق (6 تا 27 برابر)، سرطان بینی (2 مرتبه بیشتر)، گلو (12 مرتبه)، مری (8 تا 10 برابر)، حنجره (10 تا 18 برابر)، معده (2 تا 3 برابر)، کلیه (5 برابر)، آلت تناسلی مرد (2 تا 3 برابر)، لوزالمعده (2 تا 5 برابر) مقعد (5 تا 6 مرتبه) وجود دارد

عبدالشکور عزیزی

چندی قبل ماهنامه فیروزکوه برای**برخی از دوستان خود کارت های****تعاونی فرستاده بود که اینک ضمن****تشکر و قدردانی از همکاری و معاونت****ایشان، نام ها مساعدت کنندگان در****لست ذیل ذکر میشوند، تشکر!**

1. رییس صاحب دفتر ساحوی حقوق بشر -

5000 افغانی

2. معاون صاحب ولایت - 4000 افغانی

3. والی صاحب ولایت - 3000 افغانی

4. گل احمد خان غفوری - 3000 افغانی

5. عبدالقهار دانشیار - 3000 افغانی

6. قوماندان صاحب امنیه - 2000 افغانی

7. شهردار صاحب - 2000 افغانی

8. استاد فضل الحق فضل - 2000 افغانی

9. فضل احمد خان CRS - 1500 افغانی

10. رییس صاحب انکشاف دهات - 1500

افغانی

11. رییس صاحب مخابرات -

1000 افغانی

12. رییس صاحب فواید

عامه - 1000 افغانی

13. مستوفی صاحب ولایت -

1000 افغانی

14. عبدالاحد خان دولتیاری -

1000 افغانی

15. ملا محمود کمالی - 1000

افغانی

16. رییس صاحب کار و امور

اجتماعی - 1000 افغانی

17. رییس صاحب هلال

احمر - 500 افغانی

18. داکتر صاحب یعقوبی -

500 افغانی

19. رییس صاحب امور

مهاجرین - 500 افغانی

20. داکتر صاحب عبدالرشید

عارفی - 400 افغانی

21. رییس صاحب معارف -

100 افغانی

22. انجینر صاحب سنگین -

50 افغانی

23. انجینر صاحب عبدالغفور

کارزاد - 50 افغانی

24. توریالی خان - 50 افغانی

25. رییس صاحب زراعت - 0

رابطه سیگار و بیماری ها

طبق تحقیقات سازمان جهانی بهداشت در هر ۸ ثانیه یک نفر در دنیا به علت استعمال دخانیات جان خود را از دست می دهد.

نتایج تحقیقات حاکی از آن است چنانچه افراد در سنین نوجوانی شروع به کشیدن سیگار کنند (بیش از ۷۰ درصد موارد سیگاری شدن در این مرحله اتفاق می افتد) و مدت ۲۰ سال یا بیشتر به این عمل ادامه بدهند بین ۲۰ تا ۲۵ سال زودتر از افرادی که به هیچ وجه در زندگی سیگار نکشیده اند، خواهند مرد.

تنها سرطان ریه یا بیماری های قلبی پیامدهای استعمال دخانیات نیست بلکه مجموعه ای از مسایل و مشکلات بهداشتی در ارتباط با مصرف مواد دخانی وجود دارد که می تواند به لحاظ شرایط جسمانی و مقاومت ایمنی در افراد سیگاری بروز می کند، که برخی از آنها عبارتند از:

۱- از دست دادن موها: با تضعیف سیستم ایمنی افراد سیگاری در اثر مصرف مواد دخانی، بدن این افراد مستعد ابتلا به انواع بیماریها از جمله «لوپوس اریتماتوز» می شود که این بیماری می تواند عامل از دست دادن موها، ایجاد زخم در دهان، جوش های پوست روی صورت، سر و دستها شود.

کشورهای توسعه یافته از بین می رود استعمال دخانیات باعث افزایش ضربان قلب، بالا رفتن فشار خون، افزایش خطر ابتلا به فشار خون بالا و گرفتگی عروق و نهایتاً ایجاد حمله قلبی و سکته می شود.

۹- زخم معده: استعمال دخانیات مقاومت معده را در برابر باکتریها پایین می آورد؛ همچنین باعث تضعیف معده در خنثی سازی اسید معده و مقاومت در برابر آن بعد از غذا خوردن و بر جای ماندن باقیمانده اسید در معده و در نتیجه تخریب دیواره آن می شود. زخم معده افراد سیگاری به سختی تداوی می شود و احتمالی بهبودی آن تا زمانی که فرد سیگاری سیگار را ترک نکند اکثراً اندک است.

۱۰- تغییر رنگ انگشتان: قطران موجود در دود سیگار در اثر استعمال مستمر دخانیات روی انگشتان و ناخنها جمع شده و باعث تغییر رنگ آنها به قهوه ای مایل به زرد می شود.

۱۱- سرطان رحم و سقط جنین: استعمال دخانیات در دوران بارداری می تواند باعث افزایش خطر زایمان نوزاد با وزن کم و بروز مسایل بهداشتی در آینده شود. سقط جنین در مادران سیگاری ۲ تا ۳ برابر بیشتر است.

۱۲- تغییر شکل دادن سلولهای جنسی در مردان: استعمال دخانیات باعث کاهش تعداد اسپرم و کاهش جریان خون در آلت تناسلی مردان و ناتوانی جنسی در این افراد می شود. ناباروری جنسی در مردان سیگاری نیز متداول تر از افراد غیر سیگاری است.

۱۳- سرطان: بیش از ۴۰ عنصر سرطانزا در دود سیگار وجود دارد احتمال سرطان ریه ۲۲ مرتبه بیشتر از افراد غیر سیگاری است. طبق تحقیقات بی شماری که انجام شده است در صورت ادامه استعمال دخانیات توسط افراد سیگاری، احتمال مبتلا شدن آنها به انواع سرطانهای

گفته های ناب

- ۱- نه هر که به صورت نیکوست، سیرت زیبا دارد.
- ۲- اگر شب ها همه شب قدر بودی شب قدر بی قدر بودی.
- ۳- اگر جورشکم نبودی هیچ مرغی در دام صیاد نیفتادی.
- ۴- حریص با جهانی گرسنه است وقایع با نان سیر.
- ۵- شدت نیکان روی در گشاده گی دارد ودولت بدان سردر نشیب.
- ۶- هر که در زندگی نانش نخورد، چون بمیرد نامش نبرد.
- ۷- لذت انگور بیوه داند، نه خداوند میوه.
- ۸- زاهد بی علم خانسه بی در.
- ۹- رونده بی معرفت مرغ بی پر است.
- ۱۰- عالم بی عمل زنبور بی غسل.
- ۱۱- هر چه زود برآید دیدر نیاید.
- ۱۲- خوان بزرگان اگر چه لذیذ است خورده انبان خود لذیذ تر.

صاحب امتیاز:

استاد خالقداد فیروزکوهی

مدیر مسئول:

عبدالقدیر دلاوری / تماس: 0797069095

آدرس الکترونیکی: abdul_ghadir_delavary@yahoo.com

معاون مدیرمسئول:

عبدالشکور عزیز / تماس: 0777334430

سردبیر:

قربان کریمی / تماس: 0797073824

معاون سردبیر:

اختر محمد اخگر / تماس: 0797185065

گزارشگر در کابل:

قربان اتالیق پور / تماس: 0799756929

گزارشگران در غور:

نجم الدین الهام و نظام الدین ضیائی

طرح:

عبدالوقار دانشیار / تماس: 0700012983

آدرس الکترونیکی:

ferozkohm@yahoo.com

مسئول امور مالی:

ضیا الحق فیروزکوهی

تحت نظر:

هیأت تحریر

محل چاپ:

مطبعه سهر